

تفسیر حرف «ب» در «بسم الله...» (1)

در روایتی آمده است: تمام قرآن در سوره حمد، و تمام سوره حمد در بسم الله، و تمام بسم الله در حرف «باء» خلاصه می شود...



از معانی حرف «باء« در آیه شریفه «بسم الله« چه می دانید؟
تفسیر حرف «ب« در «بسم الله«

گردآوری و تنظیم: رضا صابری

در روایتی آمده است: تمام قرآن در سوره حمد، و تمام سوره حمد در بسم الله، و تمام بسم الله در حرف «باء« خلاصه می شود، و ابن عباس نقل نموده که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از اول شب تا صبح برای من تفسیر فاتحه الكتاب می فرمود و هنوز از تفسیر «باء« نگذشته بود. بعد از آن فرمودند: انا نقطة تحت الباء: من نقطه زیر «باء« هستم، [تفسیر بصائر، جلد اول، صفحه 187 و 188 بنقل از ینابیع المودة، صفحه 69 و 408].

* چند نکته بجای مقدمه:

* نکته اول: معانی حرف «باء«

در ادبیات عرب

در زبان عربی برخی از حروف، بعد از اینکه در جمله قرار می گیرند دارای معنا میشوند، «باء« نیز از این حروف است. حرف «باء« در ادبیات عرب، دارای هفت معنی است. یعنی در هر موردی که این حرف بکار رفته باشد، ممکن است یکی از این هفت معنا مراد با استعمال کننده باشد.

اول- الصاق است مثل ((بزید داء)) زیرا درد بزید چسبیده است یا مثل «مررت بزید« بمکانیکه نزدیک بزید است عبور کردم از این دو مثال گاهی معنی حقیقت آن در نظر گرفته می شود گاهی معنی مجازی آن .

دوم - استعانه یعنی یاری جستن و کمک خواستن مانند ((کتبت بالقلم)) زیرا نوشتن به کمک قلم است

سوم - برای تعدیه فعل بسوی مفعول است مانند (ذهب بزید) با زید بردم که معنی رفتن به بردن بر او واقع شده.

چهارم - باء برای ظرفیت، به معنای «فی« می آید مانند باء در (جلست بالمسجد) در مسجد نشستم. یعنی فی المسجد.

پنجم - از معانی «باء« بمعنی «مع« است مثل اشتريت الفرس بسرجه یعنی اسب را با زینش خریدم.

ششم - از معانی «باء« مقابله است مانند (بعت هذا بهذا) این کتاب را در مقابل آن فروختم.

هفتم - از معانی «باء« زائد بودن آن است که برای تأکید می آید و این قسم («باء« زائد) بر دو نوع است:

نوع اول - قیاسی است:

1 - در خبر منفی. مانند (ما زید بقائم) زیرا «قائم« خبر (ما) است و منصوب بوده و اکنون مجرور شده و از آن تأکید استفاده می شود.

2 - در خبریکه در استفهام واقع است مانند (هل زید بقائم)

نوع دوم - در دو مورد (قاعده خاصی ندارد) و اصطلاحاً می گویند: سماعی است:

1 - در مرفوع و آن یا مبتدا است مانند (بحسبک درهم)

2 - یا فاعل است، مانند (کفی بالله شهيداً) زیرا «الله« در این جمله، بقول مشهور فاعل است.

* نکته دوم: معنای «باء« تمام قرآن در ((باء)) بسم الله؛

[از تفسیر تسنیم]

شاید معنای اینکه آمده: تمام قرآن در سوره حمد، و تمام سوره حمد در بسم الله، و تمام بسم الله در حرف («باء«) خلاصه می شود، اشاره ای باشد به اینکه، آفرینش هستی و هدایت آن، همه با استمداد از اوست. چنانکه رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نیز با نام او آغاز گردید. «إقرأ باسم ربك«

* نکته سوم: آیه شریفه «بسم الله« بار نازل شده

در تفسیر تسنیم، از آیت الله العظمی جواد آملی آمده است: آیه کریمه (بسم الله الرحمن الرحيم) که سر فصل 113 سوره قرآن کریم است و در آیه 30 سوره مبارکه نمل افزون بر آغاز سوره، در طلوعه نامه حضرت سلیمان (علیه السلام) به ملکه سباء نیز آمده است، 114 بار نازل شده است، نه این که یک بار نازل شده باشد و به دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سرفصل سور قرآنی قرار گرفته باشد .

* نکته چهارم: نزول هر «بسم الله« نشانه شروع نزول سوره ای جدید بوده است

در عصر نزول وحی، فرود آمدن آیه کریمه (بسم الله الرحمن الرحيم) به عنوان اولین آیه سوره جدید، نشانه پایان پذیرفتن سوره پیشین و آغاز نزول سوره ی پس از آن بود: و انما كان يعرف انقضاء السورة، نزول (بسم الله الرحمن الرحيم) ابتداء لآخری [تسنیم، به

* نکته پنجم: تفسیر #171؛ بسم الله؛ در هر سوره، با سوره دیگر متفاوت است
نزول مکرر آیه (بسم الله ...) نشانه اختلاف معنا و تفسیر آن در هر سوره است. آیات (بسم الله ...) در سراسر قرآن کریم گرچه از نظر لفظی یکسان است، لیکن از نظر معنوی و تفسیری گوناگون و در نتیجه مشترک لفظی است. (1)
لذا؛ اختلاف معنوی و اشتراک لفظی آیات (بسم الله الرحمن الرحيم) از آن روست که بسم الله هر سوره جزئی از آن سوره و با محتوای آن هماهنگ و به منزله عنوان و تابلو آن سوره است و چون مضامین و معارف سوره‌های قرآن با یکدیگر متفاوت است، معنای بسم الله نیز در سوره‌ها مختلف خواهد بود و در هر سوره درجه‌ای از درجات و شأنی از شئون الوهیت خدای سبحان و رحمانیت و رحیمیت او را بازگو می‌کند و از این جهت همانند اسمای خداوند در پایان آیات است که با محتوای آیات هماهنگ و به منزله برهانی بر محتوای آن است. بر این اساس، اگر محتوای سوره‌ای به خوبی تبیین شود، تفسیر بسم الله آن سوره نیز روشن خواهد شد.
توضیح این که، در آیه کریمه (بسم الله الرحمن الرحيم) هم سخن از الله است که اسم جامع و اعظم خدای سبحان است و سایر اسمای حسنی الهی را زیر پوشش داشته، در هر سوره ظهوری خاص دارد و هم سخن از رحمت رحمانیه است که همه صفات خدای سبحان زیر پوشش آن است و در هر مظهری با اسمی خاص ظهور می‌کند؛ در سوره‌هایی که محتوایی مهرآمیز دارد و اوصاف جمالیه خداوند را مطرح می‌کند، در چهره جمال و در سوری که مضامینی قهرآمیز دارد و غضب الهی را بازگو می‌کند؛ در چهره جلال تجلی می‌کند [بنابراین، عدم ذکر بسم الله در آغاز سوره توبه برای آن نیست که محتوای آن سوره با بسم الله سازگار و هماهنگ نیست؛ زیرا بر اساس این توجیه، آیه کریمه (بسم الله ...) با سوره مسد (تبت) نیز ناهماهنگ است، بلکه احتمالاً از آن روست که سوره توبه ادامه سوره انفال است و اگر سوره مستقلی می‌بود با آیه کریمه (بسم الله الرحمن الرحيم) ناهماهنگ نبود. در قرآن کریم برخی آیات با قهر آغاز می‌شود و با مهر پایان می‌پذیرد؛ مانند: (فقط دابر القوم الذین ظلموا و الحمد لله رب العالمین) (سوره انعام، آیه 45) و این قهر و مهر هماهنگ است؛ زیرا قهر بر ظالم همان مهر به مظلوم است و این قهر از مصادیق و مظاهر رحمت مطلق خدای سبحان است.] و از این رو برخی گفته اند: کلمه الرحمن نیز همانند کلمه الله اسم اعظم است. بنابراین، تفسیر بسم الله ... به اختلاف سوره‌ها متفاوت است.

* نکته ششم: احکام فقهی آیه کریمه (بسم الله الرحمن الرحيم) نشانه تفاوت معنی #171؛ بسم الله؛ در هر سوره است
احکام فقهی آیه کریمه (بسم الله الرحمن الرحيم) نیز شاهد اشتراک لفظی این آیه است مانند این که:

1 - حرمت قرائت سوره عزائم بر صاحبان عذر، شامل تلاوت بسم الله ... به قصد سوره‌های مزبور نیز می‌شود. 2 - بسم الله ... هر سوره، در نماز باید به قصد همان سوره‌ای باشد که نمازگزار قصد تلاوت آن را دارد. 3 - در صورت عدول نمازگزار از سوره‌ای به سوره دیگر، باید بسم الله ... را به قصد سوره جدید تکرار کند.
لزوم تلاوت بسم الله هر سوره به قصد همان سوره، نشانه تعدد مقصود است؛ زیرا تعدد قصد، تابع تعدد و تكثر مقصود است و گر نه مقصودی که هیچ کثرتی در آن نیست تا هر یک از واحدهای آن نشانه خاصی داشته باشد و با آن نشانه، از واحدهای دیگر متمایز گردد، قصد نمی‌تواند فارق و منشاء تكثر آن باشد؛ مگر این که قصد، خود مقصود آفرین باشد. بنابراین، بسم الله ... هر سوره معنا و تفسیری ویژه خود دارد و با معنای بسم الله در سایر سوره‌ها متفاوت است.
[تسنیم؛ آیت الله جوادی آملی]

* پی‌نوشت

(1): مراد از مشترک لفظی در این جا، اشتراک لفظی مصطلح حکیمان است، نه ادیبان. توضیح این که، عنوان مشترک لفظی بین حکیم و ادیب، خود مشترک لفظی است؛ زیرا اشتراک لفظی نزد اهل ادب تابع وضع است؛ لفظی که در موارد گوناگون به کار می‌رود، اگر وضع واحد داشته باشد مشترک معنوی و گر نه مشترک لفظی است. از این رو اگر واژه ای برای یک جامع انتزاعی ذهنی (و نه خارجی و دارای حقیقت عینی) وضع شده باشد، ادیب به لحاظ وحدت و وضعش، آن را مشترک معنوی می‌داند.
اما اشتراک لفظی نزد حکیمان تابع برهان و بر مدار واقعیت خارجی است، نه وضع و اضعا؛ اگر چیزی فاقد جامع مشترک خارجی بود و آنچه در خارج است انواع گوناگونی بود که تنها به یک نام نامیده می‌شود، حکیم آن را مشترک لفظی می‌داند؛ چنانکه واژه نفس که بر نفس نباتی، حیوانی و انسانی اطلاق می‌شود، ادیب آن را مشترک معنوی و حکیم مشترک لفظی می‌داند؛ زیرا ادیب به وحدت وضع این واژه نظر می‌کند، ولی حکیم که برای آن جامع مشترک خارجی نمی‌یابد، گر چه جامع انتزاعی مفهومی و ذهنی دارد، آن را مشترک لفظی می‌داند و از این رو از نفوس نباتی، حیوانی و انسانی در فصولی مستقل بحث می‌کند.
آیه کریمه (بسم الله الرحمن الرحيم) مشتمل بر اسمای حسنی الله، الرحمن و الرحيم است و چون خدای سبحان با نام‌های الله و الرحمن، در جهان هستی تجلیات و ظهورات گوناگونی دارد: الحمد لله المتجلی لخلقه بخلقه (نهج البلاغه، خطبه 108)؛ گاهی در چهره قهار منتقم مجرمان را کیفر می‌دهد: (انا من الجرمین منتقمون) (سوره سجده، آیه 22) و گاهی در چهره لطیف و رحیم، پرهیزکاران را به بهشت می‌رساند: (تلك الجنة التي نورث من عبادنا من كان تقيا) (سوره مریم، آیه 63) و نامهای تدوینی خدای سبحان مبین تجلیات گوناگون تکوینی اوست؛ پس این الفاظ در همه جا به یک معنا نیست؛ مثلاً بسم الله در سوره مبارکه حمد با بسم الله سوره مسد در معنا و تفسیر متفاوت و مشترک لفظی است